

1968

Kārawān, 1347-07-02, 1968-09-24

Abdul Haq Waleh

Ṣabahuddiñ Kushkakī

Follow this and additional works at: <https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan>



Part of the Asian History Commons

Please take our feedback survey at: https://unomaha.az1.qualtrics.com/jfe/form/SV_8cchtFmpDyGfBLE

Recommended Citation

Waleh, Abdul Haq and Kushkakī, Ṣabahuddiñ, "Kārawān, 1347-07-02, 1968-09-24" (1968). *Kārawān*. 2.
<https://digitalcommons.unomaha.edu/karawan/2>

This Book is brought to you for free and open access by the Digitized Newspaper Archives at DigitalCommons@UNO. It has been accepted for inclusion in Kārawān by an authorized administrator of DigitalCommons@UNO. For more information, please contact unodigitalcommons@unomaha.edu.

کابل

اسپرين باير
د روغتيا سره اړوندې او درنازې اسپرين
تورې است
مخبره وېرې سره د روغتيا لامله
نومبر ۱۹۶۸

دوسيه متمهمين سوء استفاده در نغلو زير غور کمسيون مختلط حکومتي قرار دارد

په ما مورين و کار کسان و وزارت معادن و صنايع شايعات و با دي موجود است. خبر نگار ما راجع به اين موضوع با اشخاص ذيعلاقه در تماس ميا شد و بجزر حصول معلومات مزبور دنايه مو ضو عرا به اطلاع خوانندگان خودخواهد رسايد.

پرچم مخالفين فر کسيون پارلواني خود را به مصاحبه ازاد دعوت کرده است

جرينه سپرچم در شماره ديروزي خود اناي را که در محافل جا کمه بشمول اعضاء و ما موران عا ليرليه حکومت خوانده سپرچم داده است اطلاع قسمت اهداف فر کسيون پارلواني پرچم مصاحبه ازاد بپروازند پرچم ادعا کرده است که اين اشخاص مي گو يند و چي ما يعني همکاران و فر کسيون پارلسما يعني پرچم متابع و طنز و ملت را در نظر نيمکيزند، عمعات، عقايد و منشي ملي کشور را احترام نمي کنند، از ا مني و نظرها را بر هم ميزنند، حرف ميزنند و نظريات شان عسلي و تطبيقسي نيست...

پرچم در خاليه ملي مقاله در صفحه اول خود اين ادعا ها و در کرده او شيعه است و بر اي با سخ هاي او مي شنود اين استقا دات نا در ست از ا ين مخالفين دعوت ميکنيم که در يك نر حه ازاد مباحثه در يك تا لات و رنگ که نمايندگان تمام جز يا نات و چرا يه سياسي و سا ميئن حضور داشته باشند باما داخل ميا جوشنويد...

دو طفل ويک جوان در دوحادثه ترافيکي ديروز در کابل هلاک گريده اند.

در دو حادثه ترافيکي ديروز در کابل دو طفل هلاک گريده اند. حادثه اولي در نزديکي قلعه عبدالعلي واقع سرک کابل- قندهار صورت گرفت که در آن يك مو تورتيز رفتار يك پسر ششت ساله را جا بجا هلاک نمود.

حادثه دو مي در سرک ميقا بل اين سينا رو غتون صورت گرفت که يك سر و يسي ا نصاب ترا سنيوتون بديز يوري محمد مير اد عمر ۲۲ ساله را جا بجا هلاک نمود.

در واقع نزديک قلعه عبدالعلي که در آن يك طفل هشت سا له هلاک شده است ديروز تيز رفتار که ا زبا کستان ميشاند بعد از واقع فرار نموده بود.

ترا فيک کابل گفت: که وي در حصه سيد آباد درونک گرفتار شد. طفل محمدعالي پسر محمدتريف ساکن قلعه عبدالعلي بود نم در يور محمد سليم است و ترا فيک گفت که فقيه به شعبة تحقيق اجرا گرد يده است.

تأمین منی گویدانگستان حقوق سیاه پوستان رو در بشمار انهمی فرورشد

شماره ۲ میزان: ساج تا مین و زیر امور کامنولت انگلستان ديروز گفت که انگلستان به عيچ صورت حاضر نخواهد شد حقوق مردم اصلي رود بشماره و فروش رسا ند.

تا عيسن که در خلال مسافرت جيمز با مني معاون وزارت خارجه انگلستان به رود شيا و ملاقات او با ابيان سميت بصره ميگرد گفت: که در مو قف حکومت انگلستان در مو ضو رود شيا کدام تغيير و ازا د نگريده است، و حکومت تعلی انگلستان کاري نخواهد کرد که حقوق مردم اصلي رود شيا را با مال

قانون معارف به وسيله فرمان تفهيني منظور گريده. اين قانون در ۱۹۶۹ م د م و يازده فصل نر تبويب گريده است. هدف قانون در تامين مو حل تعليمات تربيتي و ثقافتي نفو يه حس و وطني، شاد و دوستي و آشنا نسي بيشتر به امور ديني و انگشاف حس مسئوليت فريدي و اجتماعي بر اي اعتناء کشور، تامين و وفا به صنع جها ي و همکاري بين المللي است.

بمو حب اين قانون اداره و مهندسي تعليم و تر بيه شخصي بولت ميشانند. ليسان ته زيسي در ولايات ذريه ا کثريت بشنو زبان بشنو و در ولايات ا کثريت ذري ز بان ذري ميا شد.

اين قانون در ياره زبان له زيسي ولايات نيکه هيچک از دو زبان در دان ا کثريت ندارد جيزي نگفته ست. معلمين و معلمات و معلمين در

پکتيا بعد از دو خورد دو قوم خاموشست

ریشه تصادمات مشکلات اقتصادی بين دو قوم ولايت جنوب افغانستان بوده است

آخرين اطلاع عا سي که از ولايت پکتيا در باره اختلا قات اقوام جاني و منکل بدست ا مدم حا کيست که آزمتي بين دو قوم با ساسي ميانگيري هاي پررگان اقوام مذکور حکمفر ما گريده است.

حادثه تصادمات بين اين دو قوم در سراسر مملکت بشيشه تا فوا هات زيا دي در خلال خاموشي و منکوت مقامات حکومتي شايع کرد.

اکيون که در آن ولايت از امي حکمفر ما است با بد عسل اصلي تشنجات در آن منطقه سراخ و راه حلي انساني مساله جستجو کرد. تا جا نيکه از نظامه علق حوادث اخير بر هي ايد متاز عه بين اقوام جايي و منکل در بشه اقتصادي دارد. مفا كوره عسومي ريس است که حکومت باريه در قسمت انگشاف ولايت پکتيا بلان هاي خود را تسريع بخشيده و حديث بشنري بخرچ دهه.

روز نامه کار وان تصميمي گرفته درن مو ضو ع به يك مسلسله نشرات پير دارد. ما در هر حلقه اول با يك مقام وزارت بلان در تماس شته و اينک خلاصه بلان هاي مو ضو ع را نشر ميکنيم.

بعد از ان نظر متخصصي با ر که در پروژه کار ميکنند در باره مؤثر ت و طرر تطبيق اين بلا نها بدست خواهيم آورد. همچنين روز نامه کاروان در نظر دارد افکار ز عناق خود ولايت پکتيا را در زمينه حاصل و نشر کند.

سابقه با يك منبع وزارت بلان در تماس شته پسر سيد در بلان بنحسالة سوم کدام پروژه ها براي

قانون معارف منظور رگرديد

کوز سپاهي سواد خواني و حر فوي تاسيس مکاتب مختص ببولت است دولت بالاي پرو گرام تدريسي و نصاب تعليمي مکاتب سواد خواني نظارت و کنترول ميشا ند.

حکومت ميتواند طبق مقررات جدا گانه به ا تبا ع خار جي اجازه تاسيس مکاتب خصوصي را بدهد ا تبا ع افغاني ميتوانند از همچو مکاتب استفاده کنند.

وزارت معارف تاسيس ميشود. به اساس اين قانون جر که هاي مشورتي محلي مکاتب به منظور اشتر افعال رهنگاري مادي و معنوي و ا لد ين شا گردان در امور مکتب و رسيدن به اهداف و اشايح بيشتر تاسيس ميشود.

او ا تبا ي شا گردان در بشنري امور تعليمي و تربويي معلمين مکلف به همکاري با اداره مکتب ميشانند.

فعاليتهاي حربي و سياسي و مظاهرات اشترک نميکنند. به اساس اين قانون، معارف بشي شو زاي عالي و ديکري اجن معارف دارد که وظيفه اولي غور بر امور ميمه معارف کشور بوده و دو مسي بر مسايل تدرسي و اداري و تامين مسئوليت فريدي و اجتماعي بر اي اعتناء کشور، تامين و وفا به صنع جها ي و همکاري بين المللي است.

دستوران و اسران در تعليمات ابتدائي ميتوانند بکجا درس بخوانند. شرط مشول در مو قطه ليه و هونون مو عقيت در مسا بقا کتور است.

معلمين از خدمت زير يصول معاف اند.

بجز از مکاتب اختصاصي بعني



نقش کاروان در اصلاحات اجتماعی

اکنون که کاروان به راه افتاده می‌خواهیم به خواننده‌های خود حالی سازیم که اهداف این روزنامه چیست. هر روز نامه از نظر فن سه وظیفه دارد که عبارت است از تهیه خبرهای روز بصورت بیطرف، نقد و تبصرو تحلیل و قانع روز و تهیه مواد سرگرم کننده روز نامه در پهلوی این سه وظیفه یک وجه اخلاقی نیز دارد که آن می‌باشد علیه مفا ساجتماعی است.

مکتوب وارده

بنامی مدیر مسئول کاروان!
اگر بیاد داشته باشید که ماه قبل در همین شماره کاروان ما شمارا که در آن بعضی اشخاص بدون اینکه به گوش خود دست بزنند به نیاید سگ می‌نورند اهواز بخش شد که گویا زنی به کتافه اشک خوردا دشنام داده است بشکل خر در آمده و از طرف اقارب شو عرش بر ای عبرت منشی‌بان به محض عمام کشاییده شده و جلوا را از دین آن منظره هولناک رعب و هراس در دل نویسه گردید. و باز بیاد دارم که این اهواز آنقدر درآفاق عیبت که مقامات انتظامی مجبور شدند برای جلوگیری از آزار و مسود شدن ترافیک در جاده میوند میگفتند شخص مستحیبه را از آنجا عبور میدهد دست به اقدامات احتیاطی بزنند و به مردم بگویند که آخر زمان هنوز هم دور است و چنین کاری از امکان بعید. و باز بیاد دارم که بلاخره اجاره دار باغ‌نوسان در شیراز برای اینکه پول اجاره را نقد و تلافی آنچه را برای گرفتاری اجاره به ترفی خوا هان داده بود بکنند چنین اهواز را جاق کرده و مردم را در پی و ا حیات مسو گردان ساخته بود. بیرون صورت کله من از اجاره در نیست بلکه از مر دانی است که هر چه شنیده اند نیند و آن اینکه در باره آن عادلانه قضا و نت کنند. امکان و عدم امکان آنرا بسنجند چند روز وقت گرانبهای خود را (اگر بیکار نباشند) مصروف آن می‌سازند. و قتی این مقدمه را می‌نویسم میخوا هم این یک نکته را خاطر نشان سازم که در این روزها پیش از آنکه کاروان به نشرات خویش آغاز کند باز اجاره داران احساسات منس و خود نسا یان نهضت های اجتماعی و گسائیگشود اهل کار و خمتی نبوده و صرف باباها و اولاد و خاک بادخود را در انتظار او باب قدرت موجود بشی جلوه میدهد افوا هانی را در مورد و با لیبسی آن در دهان خلق شده انداخته و چنین و چنان با یسی میگویند که ممکن است خود شما از من بیشتر از آن واقفید. من ببحث های انسان خویشین به تمام فعالیت ما مردم را در تئوری حکومت حق و آواز بخشد است و حکومت مکلف است از اجرات خود ب مردم خبر بدهد و اگر طی این عملیه اشتباهات لغزش های یک حکومت ا فشاء گردید و مود سوال و ا قع شد این خود یکی از ا زش های گرانبهای دیوم کراسی با بد منصوب شود. استدعای ما از خواننده گان این است که بقدر امکان درین راه با ما بکنند و درین معجاد لات که طیعا به مفاد فرد فسرود تمام شدن است. حقایق را ما بگذارند.



از بالا به پایین

بلته و چراغ

پنجم سر ۴۴ از نمک زار
ایهالنا! بداید و آگاه باشیند چنانکه بیمار را از غذای فاسدین همین احتیاط از شرایط حفظ بدن و موجب طلب صحت و تند رستی است شمارا هم به علل عدیده لازم است و چود نماز زادر قلمرو مجالست خود را نه نهدامه جیره اولود به منافقت او را در حریم ما نوست خود نامیون نینداید زیرا که باس الفتن نکهتداند و آنچه از دیگران بنو گوید از سوز نیز به دیگران رساند.
این پیشگفتار به حکم اجبار از آن بود که ما را اینی چنین در کار نیست. کله کشک گاه و بیگاه مادرین دیوان و آن مقام محض جو بانی از احوال آن گروه متصدیان امور است که کجرو شعاع و ذرود گفتار ویکدیگره بنهار مستند و چون است قبا بر قامت آقای و لا کسیر (دیوم کراسی) نور چشم داغندبگات دستونه کراسی سازگار نمی آفته تاگزیر بحکم وظیفه دمستی بر این از سرو پیشانی این محبوب همگانی سوری قلم به لغت با بلته و چراغ میر ویم بمطالع اعمال کاربرما میات بدمست نظر و تنها ووزارتها دیدم شود که اندرین بناها و مقصود که هر خم و بیخ آن مدتها طی طریق را ایجاد میکند چارگونک ما به کجا میرسد و در کدام شنگ اصلاح امور یا با کی و چرمک به سر و سیبیل و محاسن نامیون دوا بر رسیدگی میکند.

اندین جاست که از اداره کاروان برون میروم و باید بشود گفتارم بنویس ساده نویسی امروز تغییر یافته بدهد.
اتفاقا چند قلمی از محل کار در دور شده بودم و هنوز چشم (که دور ازجان دو ستان سال یک فصل چون جبه زار کار نه چار زار میزنم) قی همه سال چون فواره آبی در جای کشید که نوبلی خشک است) به برج ویرانه شیرازا نیتفیمه بود دیدم مقابل دبستان ملالی جمالی و کمالی باهم تشریح دارند. زیگولت مآب بر زیگو لوی جواب با توست هزار خطب (میدانید چه میگویند) مهمی تاخیر که چر دیشب بیشتر در شمار کمتر در برد قمار بوده ا خرمیدان قمار را تا کار زار نیکر جنگ تفاوت بسیار است.
زیگو لوی باریک اندام و مر غولهمو بوزش همی خواست و همی گفت از خرو و جیک بد امام و بیخت ناسان کار افتاد. اگر باطمینان دیوم کراسی از اسب چا بلوس می این اقدام بر دم بودم و تقسم تا پهنای میدان یا مبادر بودی.

زیگولت مآب ابرو در هم کشیدید ویر خاش کرد... من ازین طلمسم هیچ نمی دانم یا من لطیفانه سخن بگو و دست نکندار و نه به نیکال کاروان تر خصم شده گان از بارکاد خود طردت میکنم.
زیگو لوی ساده زود عذر آورد. عزیزم! از تیر لطف میری مطلبی می که در کیش بجل با زان خروجی گویند و در رسم ساده با زان چیز دیگر که تا آنچه جیره اختم آکین باشد مرا با رای تفسیر آن باشد. امروز که هر دو دفتر گر بخته ایم بیتر است هنوز که باسی به بعد از طهر و فرستی برای مبردرحاضری مانده قرار زاربرقرار ترجیح دهم و برویم تا چا نه مر زای حاضری کج نشود و نه تصدقت خواهیم کرد. هر دو نامیدار ندووی آینه بای بای گویان از هم دور شدند و وعده هم من با کاروان و نخوا نند گان که تیبته را بوری از آن و از آنخانه تر دیک بود فراموش شد. باید تلافی الله یاور.

سینه لار

دستی لاری تک دینکی نوشه نوغیاری. مویز در مدنیست کاروان و پوروروسته یاتی جوبه بو چه دیره اورده لا رومبه مخکنیسه.
به دی لاریکینی جولی او بیابانونه برانتهی کو تلو نه او کنهونه به مخکنیسه دی. گندی او کینکو نواع خود را بولی نظام دی چه تخنیکاتی دایلی او از معان را گری دی.
خود را بولی نظام دی چه تخنیکاتی دایلی او از معان را گری دی.
همانگونه دقیق دی خومره چه سی ما شین لوی دی.
لوی نشیت همیشه دوه مخو نه لری چه دریم لی له سره نشته. که

حمله باد
ما اگر ما ک بریم و اگر صاحب باد بندبرای حیوانت نسو نیم نسبا د جنبش خارو خرف نیست بجز جنبش موج حمله شیرعلم نیست بجز حمله باد در خم شش جهت و جارواست اسیر سروپایسته که خویشش بشوخی آ ز ا که در این معر که هنگامه خرداست و بزرگ که در این بند زمه فاسد است و نژاد گاه غوغای خطر بین وضع است و شریف که بدستش می آید و بیست و هشتاد کس در این سفره ندا شده آورد و چه خورد کس در این حوزه منسجیده چه بگرفت وجه داد

دامیاز خاوند : صباح الدین کسکنکی
مسئول مدیر : عبدالرحمن واله
کالتی اشتراک : به کمال کینی ۳۰۰ - افغانی
به خارا تو کینی : ۳۵۰ - افغانی
به خارج کینی : ۱۰۰ - افغانی
دوی گنی نیه : ۱۵۰ - افغانی
تلفون : ۲۱-۴۹
تهدات خاور لاری : ۲۱-۴۹

قاجاق بری در افغانستان

قاجاق موجودیت اقتصادی مارا تهدید میکند



این سگرت ها یکی از اقلام عمده قاجاقی است که در بازار های مملکت بفروش میرسد

یقین دارم خواسته شده گان این روز نامه مستشرقند که قاجاق بری در افغانستان مخصوصاً در چند سال اخیر به اندازه رایج شده است که اگر جلوان گرفته نشود موجودیت اقتصادی این کشور را از سر باد خواهند کرد. روزنامه کاروان در نظر دارد پرو پم های اساسی را که درین قسمت موجود است تشخیص نموده از راه نشرات خود دریا بد که مسئول حقیقی جلو گیری از قاجاق درین مملکت کدام مقام است. به همین سلسله اینک اوتار اژهه خود مو شوع قاجاق و انواع آنرا که نامه نگار ما بعد از مصاحبه ها نی تحریر نموده تقدیم می داریم. قاجاق یک نوع چرم است که برای قانونی دارد. تمام اموال زردانی و صادراتی تابع محصول کمر کی میباشد. امولالیکه بدون اسناد کمر کی از یک ساحه بمنظور صدور عبور نماید. فروش، لکه داشت و حمل و نقل آن قاجاق است. در افغانستان تشکیلات محادله شد قاجاق نوام از تشکیلات کمر کی بریان آمد که مربوط به وزارت تجارت وزارت مالیه بود چنانچه در سال ۱۳۴۰ م تقریرت عمومی اسناد قاجاق در تشکیلات کمر کی تحت نظر وزارت مالیه بوجود آمد. کسب مر بو طه آن بنا مهابت کورزی کیمساری و اسناد قاجاق در ولایات اداره میشود.

مکتوب وارده

(بقیه صفحه ۲)

در نظر گرفته وزارت حبابه میکند. به قضات برده می تلقی دارد که عقیدت افغانستان را بری افغان هادوست دارند و هر چه از او دارند آنی در دولت بجا بماند. شرا یط نعمات تاریخ و طرز تفکر همین ملت میخواهد بر آورده سازند. و منبع آنها م آنها تنها واسطه های خود مردم افغانستان است. و اما در باره خصوصیت روز نامه شما که تازه به نشرات آغاز میکند من فعلا سخن ندارم. تنها برای شما از خواننده توفیق میخواهم ناشناسم درین فعالیت اجتماعی زبانی را بجنب می زنند. این سبب از انشای حقایق خود خود داری کرده مو ظیف عملیات ضد قاجاق را فعال میکنند. در وزارت داخله یک آمریت اسناد قاجاق موجود است که دارای یک شعبه کوچک است. چون قاجاق لطمه مد عشی به دیگر اقتصادی مملکت وارد میکند یا بد عور بیشتر در باره جلوگیری ازان عمل آید و طرق جلوگیری بصورت اساسی سراخ و با لیبسی حکومت و تکلیف مردم در برابر آن روشن ساخته شود. اگر چه قانون اسناد قاجاق در حال محازات قاجاق بران مکافات کسانی را که در باره مو جو دیت اموال قاجاق راپوز میدهند تصریح کرده ولی چنین احساس میشود که بازارها را ممتو کر دا نید. فرار بکه دایم میشود روز بروز تعداد قاجاق بران افسانه میگردد و علت اصلی آن این است که بکلمه تشخیص اصلا بیشتر قاجاق بری برانند و ازین راه سر مالیه هنگفتی آموخته اند. ایشان اشخاص محتاج را استخدام کرده بول ژبا فدی میدهند تا برای شان کار کنند. کوچیان بنا بر تغییر آن و هوا در اوایل زمستان از راه های مختلف داخل سر زمین بینه نستان و از آنجانه مقصد تحصیل معیشت و غریب کاری به با کستان میر و نه در جمله این گویان هم مردمان قاجاق بر نیز داخل هستند. این مردم اصلا کوچی نبودند و با تغییر قیافه قاجاق بری

تاریخی. ددیو گراسی لار هم ابعابوری. که موزی بری د تیرید و درباره اهلیت ا و لیبیا ت و سید و لواجوانه مو سالی ده خو که پینه مو و نیولیده بو بیا دارامی کندی دی او زهور صبر و تو نه. ددیو گراسی به بو ملک کیتی به بوه شخص یا یوه طبقه بیگار نه اجوری بلکه اعدای و پاره های او نسیم دهر جا دعاح تازه کوری او که دایو لمر دی او حرارت کوری او تالیو پولو نرسیمیری. داصحیح ده ده دیا جوان او ملیار دمه واری زیانده دکر دیاج دحا وند و طبعه و مستولیت د با سوان و ملیار نه هم و را خواته دی داسی نه شی کیتی چه لکه مو سی بمعمرته جنبل قوم وویل. نه او خدای دی لار شی و دی ورمی که گنیه مو و کره مو بر به هم قدر شی او که ما نی مو و سو مو پور به له دی خایه نینسو. نه دا دلول قوم جنگ دی. د بو میدان جنگ دی اود کیتی شرط نی دانی چه هر بو داسی فکر و کوری چه داسنگ پول ز ما دی. که حکومت ددی نظام له در که به شان یا ندی داسی قید وارد کیتی چه که به ملک کیتی بنا منی هر شی نه چه ورسیمیری زمانی خه. که دیوه بام د با سه دوه هوری چلبیری او دی ور ته کوری که د قانون دا حکامو مطابق دقانونی کولو بو زلی جو د و لو و بادفکر دبیان به پروانسی خدو نه را بو ته کوری. که بجیل سر ما لیات لگوی. او گسه ددی نظام دار کا لسو او ارزیشو نو دینکار دباره پول فوت ته کاری اوددی نظام د و قاجاق به باب بخل تا لیب او تشکیلات کیتی



سی هم نه بخورد به پول اسعار خریداری و به طن قاجاق آورده میشود

سهم لار

داسی فرا بید اود لایو ته بروز نه تعریف ضرر به خبله همده ته ور کوری چه استدلال بری کیتی شی. ورسیمیری. به دنیا کیتی داسی میخ اود به ینوه دانسی کنده وی چه آسانی او انسانی نظام وجود نیلنی دهیجا به صلاحیت کیتی نه لری چه یوشای حقوق ور کوری او نهی. ولی ددی عظیم حقیقت د یاد سانبو سیره سیره د تصور بر دا بل کسی نه وی میخکله هم به شی که خوگ ددیو گراسی معنی تمام میندی. که مو بر ددیو گراسی بیقیدی او لایالی گری آخلان تودی به نامه جنبل نیول و طینی او سنی نیروشی خکله چه اول به دده نه یولوی او زینتو نه تالا کرو. خه چه میو لایالی دده به حق غور شی و کوری خو نه وی هغه ووا بو او که چه میو او دی به د شکایت حق نه لری او د زره غواپی هغه و کرد بو به داسی هر جا به اول به د خبلی عقیدی او

کاروان

روزنامه که شمارا از اطلاعات داخلی و خارجی طی خیرهای بیطرفانه آگاه میسازد. این روز نامه همین اکنون تعداد زیاد خوانندگان را بخود جلب کرده است

در روز نامه کاروان اعلان کنید به مفاد شماست

نه او خدای دی لار شی و دی ورمی که گنیه مو و کره مو بر به هم قدر شی او که ما نی مو و سو مو پور به له دی خایه نینسو. نه دا دلول قوم جنگ دی. د بو میدان جنگ دی اود کیتی شرط نی دانی چه هر بو داسی فکر و کوری چه داسنگ پول ز ما دی. که حکومت ددی نظام له در که به شان یا ندی داسی قید وارد کیتی چه که به ملک کیتی بنا منی هر شی نه چه ورسیمیری زمانی خه. که دیوه بام د با سه دوه هوری چلبیری او دی ور ته کوری که د قانون دا حکامو مطابق دقانونی کولو بو زلی جو د و لو و بادفکر دبیان به پروانسی خدو نه را بو ته کوری. که بجیل سر ما لیات لگوی. او گسه ددی نظام دار کا لسو او ارزیشو نو دینکار دباره پول فوت ته کاری اوددی نظام د و قاجاق به باب بخل تا لیب او تشکیلات کیتی

داکتر محمد یوسف صفه از کار بر طرف کرد و دو مد خلف او نیز به سبب فشار هشار

شوخی مردم در عروسی ها بمردم جمال گوته میدهند

مضامنی که در سرگ کارته ۳ پیشه باستان سازی دارد به خیرنگارما دربار شوخی بکنده مردم می گویند باصحت مردم بازی میکنند اطهار داشت شب ۳۱ آمد در یک محفل عروسی که در قلعه شایه بر گزار شده بود عمارت مردم در اثر خوردن غذا دعوا به اسباب مبتلا شد بعد وقتی جانشین شو معلوم گردید که بکنده جوانان که دعوت شان معلوم نیست قضاة منظور شو شی مقداری جمال گو ته در گلدانی آنها ریخته بودند.

رضایان علی اضافه کرد در شب مذکور قدری از غذای جمال گو تدار بنادوشن و چند شب قبل در علاءالدین علیا به شا گردش شاه حسین مشهور به غنچه نیز داده شده بود.

پولیس «دازه» کیسه بران را دستگیر نمود است

محمد سرور بازده سانه و دار دوسته او بعد از کیسه بری های متعدد در نقاط مختلف شهر کابل و بعضی ولایات بدست پولیس افتاده و فعلا به نظریه هدایت خارتواری و لایت کابل تحت نظارت پسر میبرد.

محمد سرور در جریان تحقیقات که از طرف آس ایست مستر قست سر ما موریت گو ما گلدانی استیبه ولایت کابل صورت گرفته است به عقیدت کیسه بری و سرقت که در شهر کابل ولایت کمنز انجام داده افراز اموره و ضمنا اسم بکنده داد و لگدان شسر را که با وی در جریان آنکه واقعات همراه بوده اند معرفی نمود است.

محمد سرور در جریان تحقیقات اطهار نموده که از صنف دوم مکتب به علت مریضی خارج بوده صفت شاکرد در دکان مسگری بکار مشغول شده چون این کار خوش نیامد نزد شوهر عمه خود سه کار



محمد سرور و پیکار کاروان گفت: عکس مرا طوری بکنید که مردم مرا نشناسند.

شسر حرکت دادند اما از اینکه دایور رادرحل واقعه گذاشته بود ندانیدند میانه نشیندند. بالاخره فیصله نمودند که کسی را که با خود آورده بودند در جای خاصی از شسرینو گذاشته بکسی دیگری گزایه نمودند برای آوردن دایور به ده دانا

بلان خود را فوراً عملی کرد و به ولی از نکسی در جزایر است و نیامد. دو باره بر سر کشند. ساعت دوی شب وقتیکه میخواستند از جزایر در حصار خود باین شو نهدیم انتر سرور از امن پولیس او را واقف ساخت. او را در همان موطن سوز شده بسوی شسرینو حسی کت نمود. در همین اثنا متوجه مو سر دیگری شد که به سرعت از عقب او حرکت میکرد. از در پوز خواش کرد تا با سرعت بیشتر بر او تیر شیشینه عقب مو تر مشاهد نمود که مو تر عقی نیز به همان سر شسرینو است. گفتش از ترس به تیش افتاد تا اینکه در حصار در واژه سمت شمالی ولایت کابل نکسی دو می به سرعت از پهلوی او گذشت و تو قف کرد و پیاپی از لیب جیب مو تر را گرفت.

محمد سرور گفته است اگر چه رفقای دیگر او بدست پولیس افتادند ولی وی با ژوئی خاصی از پیسنگه لجات یافت. وی تصور نمود نجاش قطع است اما این خیالی بیش نبود زیرا پولیس او را فرادان تا اینکه پشیمان شده بود بدست آورد.

پولیس گفت: محمد سرور و روسای رفقای او دستگیر شده و تحت نظارت پسر میبرند.



شیر احمد، بازمحمد مشهور به (بادگی)، غلامدرویش، حکیم مشهور به (خرخورد)

محمد سرور در جزایر است و نیامد. دو باره بر سر کشند. ساعت دوی شب وقتیکه میخواستند از جزایر در حصار خود باین شو نهدیم انتر سرور از امن پولیس او را واقف ساخت. او را در همان موطن سوز شده بسوی شسرینو حسی کت نمود. در همین اثنا متوجه مو سر دیگری شد که به سرعت از عقب او حرکت میکرد. از در پوز خواش کرد تا با سرعت بیشتر بر او تیر شیشینه عقب مو تر مشاهد نمود که مو تر عقی نیز به همان سر شسرینو است. گفتش از ترس به تیش افتاد تا اینکه در حصار در واژه سمت شمالی ولایت کابل نکسی دو می به سرعت از پهلوی او گذشت و تو قف کرد و پیاپی از لیب جیب مو تر را گرفت.

محمد سرور گفته است اگر چه رفقای دیگر او بدست پولیس افتادند ولی وی با ژوئی خاصی از پیسنگه لجات یافت. وی تصور نمود نجاش قطع است اما این خیالی بیش نبود زیرا پولیس او را فرادان تا اینکه پشیمان شده بود بدست آورد.

پولیس گفت: محمد سرور و روسای رفقای او دستگیر شده و تحت نظارت پسر میبرند.

محمد سرور بازده سانه و دار دوسته او بعد از کیسه بری های متعدد در نقاط مختلف شهر کابل و بعضی ولایات بدست پولیس افتاده و فعلا به نظریه هدایت خارتواری و لایت کابل تحت نظارت پسر میبرد.

محمد سرور در جریان تحقیقات که از طرف آس ایست مستر قست سر ما موریت گو ما گلدانی استیبه ولایت کابل صورت گرفته است به عقیدت کیسه بری و سرقت که در شهر کابل ولایت کمنز انجام داده افراز اموره و ضمنا اسم بکنده داد و لگدان شسر را که با وی در جریان آنکه واقعات همراه بوده اند معرفی نمود است.



عبدالله (احمدجان)، عبدالله، هاشم، میزاجان دایور، خواجگاه

زد و خورد بین دایور و راکبین در شاه شید

در زد و خوردیکه بین یک دایور مور زیس و راکبین آن در حصار دکان تیل شاه ششید ساعت ۶ عصر ۳۱ سینه صورت گرفت غلام لیب دایور مو تر مجروح گردید و راکبین شاه شید و لیب دایور نیز جراحت خفیف بر داشت.

پیر نگار ما که در محل واقعه حاضر بود علت اصلی زد و خورد را توقف بی موقع و طولانی مو تر و مطالبه گزایه بیشتر از طرف دایور و نمود کرده اطهار داشت زد و خورد در این مباحثه مردم که در اطراف مو تر جمع شده بودند با بیان یافت. پولیس حاضر نبود.

قاجاق بری

در سال ۱۳۴۶ در حدود ۴۲ قام مال قاجاق از طرف امریت شده قاجاق وزارت داخله به کمک سپرده شده است که مشتمل بر انواع رخت بایاب، سکر، لنگی های ابریشمی، نخ، ادویه و غیره میباشد.

قاجاق بعد از دستگیری مو تر ضبط شده و دو چند محصول کمک از قاجاق بر حصول میگردد. بعد از تحقیقاتیکه در زمینه از طرف وزارت داخله بعمل می آید موضوع به خار نواری رجعت داده میشود. بعد از فیصله خار نواری تصویب دایور به وزارت داخله رجعت داده شد و فیصله نهائی در محکمه امنیت عامه صورت میگردد. در مرتبه اول قاجاق بر جریمه میگردد و در صورت نگرانی به جیب محکوم میشود.

پکتیا بعد از ...

ساخت سرب های پروژه را آغاز و جنگلات را ترسیم خواهد نمود. پروژۀ تولید غله برای مامورین و کارگران پروژه های وزارت جنگلات مصروف رسا زمین مواد از آن خواهد بود. این پروژه هر سه وزارت زراعت و آبیاری مینا شد مردم رسا کار پکتیا در آن مسخرفته اند.

از این اواخر حکومت در حصار وجود آوردن یک فایر بکه کار سازی در پکتیا میباشد که در این پیش از نه هزار نفر کار خواهد کرد در تمام این پروژه ها ۱۵۰۰ مصروف کار اند و به کمک تخنیک جمهریوت انحصاری امان پیش میروند تمام مناطق پکتیا که حصار است و تمام کوه های آن پوشیده از درختانی است که میتوان از آن استفاده زیاد کرد. پروژه های موجود از نظر مالی قدرتین را ندارند و جنگلات را مرابیت کرده از این روش آنها را جلو گیری کند.

یک عده از مردم پکتیا به نگرانی اطهار داشتند که وضع اقتصادی مردم پکتیا همیشه خراب بوده و به جز آن چند نفر محدود به نان و نان شبان روزی خود محتاج میباشد اکثر آنها چون از ولایت پکتیا بیگانه گامی نمینوایند بدست آرند در کار میگردند و برای اینکه وضع اقتصاد مردم خوب شود باید توجه جدی این منطقه حساس میندول کرد.

دردم مخ بانی

سهم لار

افلاس به آخته شو چه نتیجه در زینتو بود فقر له کلبه مر و ذلت وی.

خوبی دنیا دینو سه او بشر نظر ما به به پنهانی هم لری او آراد هم. و جیات هم لری او حقوق او چه خو بوری د پانندی او بود فکر به گری شی در حق او آن کرد او اندازو تشخیص کینی گفت مو تر یوه پزله یوه ذاریع بریو نازکو دو رو نکسی یوه لو بانی شوی بو او هرزه یوله به د کینی سیمه لری. دین لری اود و تنظیم دایره د قیادت بو مو تر سمبول لری.

زموتر اندامنی قانون دایور ذری واره از زینتو سه چه و ط اسلام او باز شده دی دافغانی جا دژوند دایور بر حصاره نا مع شکل کت لری دی او دا معا دی دافغانی دینو گرسی دشخص به حیت ددی بو او او اوردی لاش لیونو او مشغلو به وی.

موان دوی اوردی لاری سمار دالار به مو تر به مینه او صمب لنبوو. مو تر د بو سخت جنگ میدان کینی و لای بو. دا جنگ مو تر به فدا گاری او خود که آترو او موبرد بو سخت امتحان ددی امتحان کامیابی کی اود شوی ورش خواهم آینه بای بای ند ووعده منم د کمان که تبیبه بانه تر دیک بود دمی الله یاور.

موت آن بلمردم

کاروان مشترک

کاروان مطالب جدید خواندنی راهمه روزه تقدیم میکند محل اشتراک مدیریت اداری روزنامه کاروان در چهاراهی صدارت و غرفه فروش جراید محمدعارف پارک شسرینو

کاروان نامه است که تمام حقایق را بطرفانه تقدیم میکند کاروان به هر ذوق موافق و هر روز نشر میشود